Original Article

Psychological Achievements (*Psychol. Achiev.*)

Spring & Summer, 2026, *33*(1), Serial Number 35, 1-18.
DOI: 10.22055/PSY.2024.43570.3015

Online ISSN: 2588-6649
https://psychac.scu.ac.ir/

Predicting Marital Satisfaction Based on Mother's Parenting Stress with the Mediating Role of Depression and Marital Conflict and Moderating Effect of Father's Empathy Tendency

Sara Ebrahimi[1], Seyedeh Elham Mousavian Khatir[2]

1. Assistant, Faculty member of Organization for Educational Research and Planning (OERP), Tehran, Iran.
2. M.A. student in General Psychology, University of Tehran, Tehran, Iran.

Article Info

Received: 03 Apr 2025
Revised: 06 Aug 2025
Accepted: 22 Aug 2025
Published: 21 Apr 2026

Corresponding Author:
Sara Ebrahimi

Email:
sa_ebrahimi@sbu.ac.ir

Keywords:
Parenting Stress, Depression, Marital Conflict, Empathy Tendency, Marital Satisfaction

Abstract

Parenting stress is an important factor affecting mothers' psychological well-being and marital relationships during the parenting period. Increased parenting responsibilities may contribute to psychological problems such as depression and marital conflict, which can reduce marital satisfaction. Understanding the mechanisms underlying this relationship and identifying protective factors are essential for improving family functioning. The present study aimed to investigate the mediating roles of depression and marital conflict in the relationship between mothers' parenting stress and marital satisfaction, as well as the moderating role of fathers' empathy tendency in this relationship. The research method was descriptive and correlational. The study population included all employed couples with children in Tehran in 2022, from whom 212 couples were selected using convenience sampling. Mothers completed the Parenting Stress Scale, Self-Rating Depression Scale, Conflict Behavior Scale, and Marital Satisfaction Scale, whereas fathers completed the Basic Empathy Scale. Data were analyzed using Pearson's correlation coefficient and multiple regression analyses (Models 6 and 85) using the Hayes PROCESS macro in SPSS version 24. The findings indicated that mothers' parenting stress was negatively associated with marital satisfaction. Depression and marital conflict significantly mediated the relationship between mothers' parenting stress and marital satisfaction, indicating that parenting stress may reduce marital satisfaction by increasing depressive symptoms and intensifying marital conflict. Furthermore, fathers' empathy tendency moderated this relationship, suggesting that empathy may act as a protective factor by reducing the negative consequences of parenting stress on mothers' psychological well-being and marital relationships. Fathers who are more capable of understanding and responding to their spouses' emotions may help reduce depression and marital conflict associated with parenting stress and support mothers' marital satisfaction. In conclusion, these findings highlight the significant impact of parenting stress on mothers' mental health and marital quality. The results emphasize that parenting stress influences not only mothers' psychological well-being but also family functioning through emotional and interpersonal processes. The findings also underscore the importance of fathers' empathy and emotional support in maintaining marital relationships during the parenting period. These findings may be used to develop preventive interventions and family-based approaches aimed at reducing parenting stress, improving mothers' well-being, strengthening marital relationships, and enhancing family functioning.

How to Cite: Ebrahimi, S., & Mousavian Khatir, S. E. (2026). Predicting Marital Satisfaction Based on Mother's Parenting Stress with the Mediating Role of Depression and Marital Conflict and Moderating Effect of Father's Empathy Tendency, *Psychological Achievements, 33*(1), 1-18. https://doi.org/10.22055/psy.2024.43570.3015 [Persian]

Authors retain the copyright and full publishing rights. Published by Shahid Chamran University of Ahvaz. This article is an open access article licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0)

دست آوردهای روان‌شناختی

مقاله پژوهشی

بهار و تابستان ۱۴۰۵، دوره چهارم، سال ۳۳، شماره ۱، ص‌ص: ۱۸-۱.
شاپا آنلاین: ۶۶۴۹-۲۵۸۸
DOI: 10.22055/PSY.2024.43570.3015
https://psychac.scu.ac.ir/

پیش‌بینی رضایت زناشویی بر اساس استرس والدگری مادر با نقش واسطه‌ای افسردگی و تعارض زناشویی و تعدیل‌کنندگی تمایل به همدلی پدر

سارا ابراهیمی[۱]، سیده الهام موسویان خطیر[۲]

۱. استادیار، عضو هیئت علمی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، تهران، ایران.
۲. دانشجوی کارشناسی‌ارشد روان‌شناسی عمومی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۱۴
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۵/۱۵
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۳۱
تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۲/۰۱

نویسنده مسئول:
سارا ابراهیمی

ایمیل:
sa_ebrahimi@sbu.ac.ir

کلید واژگان:
استرس والدگری، افسردگی، تعارض زناشویی، تمایل به همدلی، رضایت زناشویی

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش واسطه‌ای افسردگی و تعارض زناشویی در رابطه رضایت زناشویی با استرس والدگری مادر و تعدیل‌کنندگی تمایل به همدلی پدر در این رابطه انجام شد. روش پژوهش توصیفی از نوع همبستگی است. جامعه مورد مطالعه شامل تمامی زوجین شاغل و دارای فرزند شهر تهران در سال ۱۴۰۱ بود که با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس تعداد ۲۱۲ زوج به عنوان نمونه انتخاب شدند. مادران به مقیاس استرس والدگری (Berry & Jones)، مقیاس خودگزارشی افسردگی (Zung)، مقیاس رفتار تعارض زناشویی (Rusbult et al.) و (Straus) و مقیاس رضایت زناشویی (Olson & Wilson) و پدران به مقیاس همدلی اساسی (Jolliffe & Farrington) پاسخ دادند. به‌منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه (مدل‌های ٦ و ٨٥) در پردازشگر هایس در نرم‌افزار $SPSS_{24}$ استفاده شد. یافته‌ها حاکی از آن بود که استرس والدگری مادران با رضایت زناشویی آنها همبستگی منفی دارد، افسردگی و تعارض زناشویی در رابطه بین استرس والدگری مادران و رضایت زناشویی آنها نقش واسطه‌ای دارند و تمایل به همدلی پدر نیز این رابطه را تعدیل می‌کند. به این معنی که پدران می‌توانند با همدلی با مادران، افسردگی و تعارضات زناشویی ناشی از استرس والدگری و در نتیجه سطوح پایین رضایت زناشویی آنها را کاهش دهند. از یافته‌های این پژوهش می‌توان به‌منظور طراحی مداخله و رویکرد جامع به ارتقای بهزیستی روانی مادران استفاده کرد.

استناد به این مقاله: ابراهیمی، س.، موسویان خطیر، س.ا. (۱۴۰۵). پیش‌بینی رضایت زناشویی بر اساس استرس والدگری مادر با نقش واسطه‌ای افسردگی و تعارض زناشویی و تعدیل‌کنندگی تمایل به همدلی پدر، دست آوردهای روان‌شناختی، (۱)۳۳، ص‌ص: ۱۸-۱.
https://doi.org/10.22055/psy.2024.43570.3015

Authors retain the copyright and full publishing rights. Published by Shahid Chamran University of Ahvaz. This article is an open access article licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0)

مقدمه

از چند دهه گذشته به ویژه از دهه ۱۹۶۰ نرخ طلاق در جهان پیوسته در حال افزایش است و همین موضوع مشکلات متعددی از جمله سست شدن بنیان خانواده و ساختار جامعه را به وجود آورده است. میزان رشد وقوع طلاق در ایران نیز اگرچه از متوسط کشورهای غربی کمتر است، اما در طی سالیان اخیر و با در نظر داشتن معیارهای فرهنگ اسلامی–ایرانی، رو به افزایش بوده است (Askari-Nodoushan et al., 2019). یکی از دوره‌های اوج جدایی زوجین، دوران والدگری است.

والدین در طول دوره تربیت وظایفی چون یادگیری تغییر هویتشان از همسر بودن به پدر و مادر بودن، یادگیری حفظ و مدیریت رابطه زناشویی، پذیرش مسئولیت و استرس مالی ناشی از بچه‌دار شدن را بر عهده دارند. انجام موفقیت‌آمیز این وظایف به طور مستقیم بر این دوره تأثیر می‌گذارد. اگر این وظایف به خوبی انجام نشوند، با وجود آنکه زندگی زناشویی در ابتدا با آمدن فرزند با شادی سپری می‌شود، به تدریج رضایت زناشویی کاهش می‌یابد و در نهایت منجر به از هم گسیختگی رابطه و فروپاشی زندگی مشترک می‌شود (Leonard & Roberts, 1998).

رضایت زناشویی، ارزیابی ذهنی و بازخورد زوج‌های متأهل در رابطه زناشویی است که بر ثبات و کیفیت ازدواج تأثیر می‌گذارد (Lian et al., 2014). رضایت زناشویی در دوره والدگری ناشی از ترکیبی از عوامل است که استرس والدگری یکی از مهم‌ترین آنها است (Hou et al., 2019). تولد فرزند اگرچه زوجین را به تدریج با وظایف والدگری سازگار می‌کند، اما در بدو امر به شدت آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این انتقال بین مراحل چرخه زندگی خانوادگی منجر به بروز سطوح بالایی از استرس زناشویی می‌شود که کاهش رضایت زناشویی را در پی دارد (Li et al., 2025). علاوه بر این، زمانی که استرس والدین در مراقبت از کودک زیاد است، ممکن است درک روشنی از رفتارهای خود نداشته باشند و هیجان‌ها و رفتارهای منفی آنها به تعاملات بین یکدیگر منتقل شود و در نتیجه رضایت زناشویی آنها کاهش یابد (Cohan & Bradbury, 1997).

استرس والدگری به احساس استرس ناشی از والدگری فرزندان از جمله احساس ناراحتی، ترس، نگرانی، اضطراب، خستگی، سردرگمی و سایر تجربیات و حالات هیجانی منفی اشاره دارد (Zhang et al., 2024; Yoshiyuki et al., 2012)، که نتیجه عدم انطباق ادراک‌شده بین وظایف والدگری و منابع فردی است. این استرس در صورت عدم مداخله به‌موقع جهت توانمندسازی برای مدیریت رابطه با فرزندان، علاوه بر کاهش بهزیستی روانی والدین، پیامدهای منفی بلندمدت را بر سلامت کودکان بر جای می‌گذارد و کارکرد مطلوب خانواده را به خطر می‌اندازد (Wu et al., 2026). با بهبود وضعیت اجتماعی و شغلی زنان، تعداد زیادی از زنان به عنوان افراد مستقل اقتصادی وارد بازار کار می‌شوند که همزمان باید وقت و انرژی زیادی را صرف مراقبت از کودکان کنند. این موضوع، دوگانه‌ای منحصر به فرد را در هویت زنان ایجاد می‌کند. توجه به این ویژگی‌های هویتی از آن جهت ضروری است که زنان شاغل در خانواده‌های مدرن علاوه بر استرس والدگری، استرس شدید ناشی از تعارضات کار و خانواده را نیز تحمل می‌کنند (Hou et al., 2019).

تعارض زناشویی، به اختلاف، ناهماهنگی یا عدم توافق بین زوجین اشاره دارد (Reid & Crisafulli, 1990). تعارض زناشویی می‌تواند از آزار کلامی تا فیزیکی متغیر باشد و با پیامدهای منفی مانند فشار روانی (Lucas-Thompson, 2012)، رضایت پایین زناشویی (Shahroei et al., 2022; Dong et al, 2022)، طلاق (Zhylyevskyy, 2012)، سلامت و بهزیستی

زوج‌های درگیر را تهدید کند (Shrout et al., 2019). پژوهش‌ها عوامل مختلفی چون رفتارهای خشونت‌آمیز شوهران، عدم همکاری در خانواده، ناتوانی در گذران زمانی کافی با یکدیگر، مسایل مربوط به فرزندان و سایر خانواده‌ها، عدم ارتباط مؤثر و مشکلات مالی را به عنوان برخی از منابع اصلی تعارضات زناشویی معرفی کرده‌اند (Hashemi et al., 2022؛ Tasew & Getahun, 2021؛ Hooshmandi et al., 2019). با تولد فرزند، معمولاً مادر با وظایف جدید محول‌شده، خستگی و ناراحتی ناشی از انجام فعالیت اضافه را تجربه می‌کند و پدر همچنان مشغول وظایف قبلی خود است. فشار مضاعف تجربه‌شده ناشی از انجام فعالیت‌های متعدد والدگری، خانه و احتمالاً محیط کار و ناتوانی در انجام مناسب همه آنها، تنش‌های ناشی از عدم توازن در مسئولیت‌های واگذارشده را تشدید می‌کند و در نتیجه سبب بروز اختلاف و تعارض زناشویی می‌شود (Zhang et al., 2024؛ Olson et al., 2010)، که در صورت تداوم رضایت پایین و یا عدم رضایت زناشویی را در پی دارد (Dong et al., 2022).

بر این اساس، معمولاً مادران در دوره والدگری، استرس والدگری بالاتری را نسبت به پدران تجربه می‌کنند (Cousino & Hazen, 2013). انباشت چنین استرسی به طور جدی به سلامت جسمی و روانی مادر آسیب می‌رساند و امکان بروز افسردگی را افزایش می‌دهد (Gray et al., 2018؛ Yoshiyuki et al., 2012). همچنین، محیط‌هایی که برای طولانی‌مدت استرس‌زا هستند، با مشکلات والدگری و تفاوت در رویکردهای تربیتی فرزندان همراه هستند و سبب می‌شوند تعارضات زناشویی تأثیر مخربی بر زندگی مشترک بگذارند (Liu et al., 2026).

مادران افسرده ادراکی منفی از زندگی دارند و روابط بین فردی و واکنش‌های آنها همراه با استرس است که این امر تشدید تعارض‌ها (Cummings et al., 2010) و کاهش رضایت زناشویی آنها را در پی دارد (Henderson et al., 2003). بر اساس مدل آسیب‌پذیری–استرس–انطباق (Karney & Bradbury, 1995)، آسیب‌پذیری و عوامل استرس‌زای پایدار با تعاملات منفی و کاهش رضایت زوجین مرتبط هستند (Karantzas et al., 2021). بنابراین، استرس مادران در مراقبت از کودکان بر رضایت زناشویی تأثیر منفی می‌گذارد و افسردگی ناشی از استرس والدگری نیز باعث تشدید تعارضات زناشویی می‌شود (Rosen-Grandon et al., 2004). در سال‌های اخیر، همدلی به عنوان عاملی مؤثر در حفظ و تداوم احساس خوشبختی در ازدواج و ارزیابی کیفیت ازدواج مطرح شده است.

همدلی یک ویژگی شخصیتی است که با آن می‌توان هیجان‌ها، نیازها و موقعیت‌های افراد دیگر را درک کرد (Wang et al., 2021). این ویژگی برای مهار تعارض‌های خشونت‌بار زندگی زناشویی اهمیت زیادی دارد (Dong et al., 2022). با این وجود، پژوهش‌ها نشان داده‌اند سطوح بالای همدلی، کیفیت رابطه زوجین را افزایش می‌دهد؛ زیرا باعث می‌شود زوجین یکدیگر را بهتر درک کنند و بتوانند کمک و حمایت هیجانی مؤثری از هم داشته باشند (Wang et al., 2021). افراد با همدلی بالا معمولاً هیجان‌های مثبت بیشتری دارند و قادرند در مورد دیگران پیش‌بینی کنند و نظرات و مقاصدشان را درک کنند. در سطح خانواده، پدرانی که همدلی بالایی دارند، بهتر می‌توانند خود را در موقعیت همسرانشان قرار دهند و هیجانات، نیازها و موقعیت‌هایشان را تجربه و درک کنند (Gupta et al., 1996) و راهبردهای مناسب را برای کاهش هیجان‌های منفی آنها به کار بگیرند (Schreiter et al., 2013).

اگرچه یافته‌های پژوهشی حاکی از تأثیر نامطلوب و منفی استرس والدگری بر رضایت زناشویی مادران بودند

(Bradbury et al., 2000 ؛Carlson & Vanorman, 2017)، اما مکانیسم درونی این ارتباط و تأثیر رفتار پدر در مشکلات زناشویی بررسی نشده است. اهمیت مطالعه رفتار پدر از آن جهت است که مشکلات زندگی زناشویی نه تنها با رفتار مادر بلکه با رفتار پدر نیز مرتبط است. همچنین، با توجه به این که سطوح بالای استرس در تربیت فرزندان به سلامت جسمی و روانی مادر آسیب می‌رساند و عملکرد عادی خانواده را به خطر می‌اندازد، مطالعه حاضر درصدد است به این سؤال‌ها پاسخ دهد: آیا بین استرس والدگری و رضایت زناشویی مادر رابطه وجود دارد؟، آیا افسردگی و تعارض زناشویی رابطه بین استرس والدگری و رضایت زناشویی مادر را میانجی‌گری می‌کنند؟ و آیا تمایل به همدلی پدر تعدیل‌کننده رابطه بین استرس والدگری و رضایت زناشویی مادر با میانجی‌گری افسردگی و تعارض زناشویی است؟

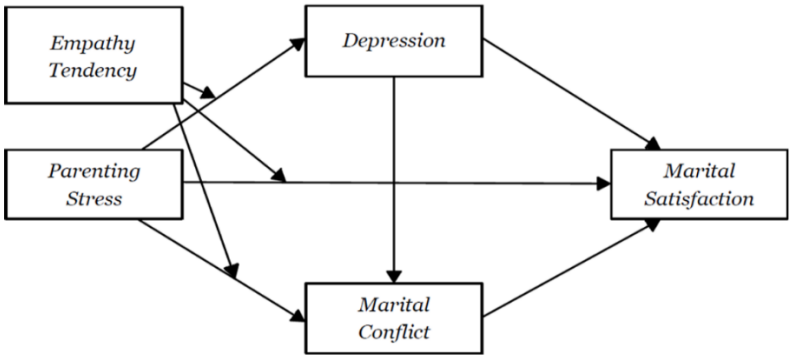


Figure 1. Proposed model

روش

جامعه آماری، نمونه و روش‌نمونه‌گیری

روش پژوهش حاضر توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری متشکل از تمامی زوجین شاغل و دارای فرزند شهر تهران در سال ۱۴۰۱ بود. به‌منظور برآورد حجم نمونه، مبتنی بر منطق پیشنهادی (Green, 1991) که حجم نمونه در مطالعات رگرسیون برابر با N≥ ۸K+۵۰ است، به ازای ٤ متغیر پیش‌بین، ۸۲ زوج به عنوان حداقل حجم نمونه در نظر گرفته شدند. اما به دلیل احتمال ریزش شرکت‌کنندگان و کاهش خطای اندازه‌گیری، ۲۱۲ زوج (۲۱۲ زن و ۲۱۲ مرد) با روش نمونه‌گیری در دسترس برای دستیابی به نتایجی قابل قبول انتخاب شدند. با توجه به هم زمانی اجرای پژوهش با همه‌گیری کووید-۱۹، ابزارها به صورت نسخه مجازی آماده شدند و از طریق رسانه‌های اجتماعی در اختیار افراد نمونه قرار گرفتند. مادران به ابزارهای استرس والدگری، افسردگی، رفتار تعارض و رضایت زناشویی و پدران به ابزار همدلی اساسی پاسخ دادند که برای اطمینان از محرمانه بودن و قابلیت اعتماد داده‌ها به صورت ناشناس ارسال شدند. از لحاظ ویژگی‌های جمعیت‌شناختی، ٦۳/۲۱ درصد از زوجین بین ۳۱ تا ٤۰ سال، ۲۸/۳ درصد بین ٤۱ تا۵۰ سال و ۸/٤۹ درصد بین ۵۱ تا ٦۰ سال سن داشتند. سطح تحصیلات زوجین نیز از لیسانس تا فوق لیسانس بود و هر دو زوج شاغل بودند.

ابزار پژوهش

مقیاس استرس والدگری (Parental Stress Scale (PSS)): این ابزار توسط Berry and Jones (1995) با ۱۸ گویه

و ٤ عامل (پاداش، عوامل استرس‌زا، فقدان کنترل و رضایت) برای بررسی استرس والدین در ارتباط با فرزندان و نیز ابعاد مثبت (مزایای هیجانی و رشد شخصی) و منفی (تقاضای منابع، محدودیت‌ها) والدگری طراحی شد. پاسخ‌ها به گویه‌ها بر روی مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرتی (از ۱ کاملاً مخالفم تا ۵ کاملاً موافقم) قرار گرفتند. اعتبار ابزار از نوع همسانی درونی در پژوهش Berry and Jones (1995) ۰/۸۵ و در پژوهش Khodaverdian et al. (2017) ۰/۷۸ و در پژوهش حاضر ۰/۸۵ به دست آمد. روایی صوری و محتوایی ابزار نیز در پژوهش Mohtashami et al. (2017) توسط دوازده نفر از اساتید روان‌شناسی مورد بررسی و تأیید قرار گرفت. همچنین، بررسی روایی سازه مقیاس در پژوهش Berry and Jones (1995) حاکی از وجود چهار خرده‌مقیاس پاداش‌های والدگری، عوامل استرس‌زای والدگری، فقدان کنترل و رضایت والدگری بود که در مجموع ۵۳/۸ درصد از واریانس کل را تبیین می‌کردند و همبستگی آن با ابزار شاخص استرس والدگری برابر با ۰/۷۵ بود.

مقیاس خودگزارشی افسردگی (Zung Self-Rating Depression Scale (SDS)): این ابزار توسط Zung et al. (1965) با ۲۰ گویه برای ارزیابی شدت افسردگی طراحی شد که تمام جنبه‌های افسردگی اعم از هیجانی، شناختی، رفتاری و روانی را بررسی می‌کند. پاسخ‌ها به گویه‌ها بر روی مقیاس ٤ درجه‌ای لیکرتی (از ۱ به ندرت تا ٤ غالباً) قرار گرفتند. اعتبار ابزار از نوع همسانی درونی در پژوهش Safaralizadeh et al. (2011) ۰/۹۰ و در پژوهش حاضر ۰/۸۲ به دست آمد. روایی همگرای این ابزار با مقیاس افسردگی بک در پژوهش Campell et al. (2012) حدود ۰/٦۷ گزارش شد و روایی صوری و محتوایی آن نیز در پژوهش Habibpoor (2003) بررسی و تأیید شده بود.

مقیاس رفتار تعارض (Conflict Behavior Scale (CBS)): این ابزار ترکیبی از پرسشنامه حل مسئله راسبالت (Rusbult et al, 1986) و پرسشنامه تاکتیک‌های حل تعارض (Straus, 1979) است که با ۲۳ گویه و ۳ عامل (رفتار مثبت، رفتار منفی و سوءاستفاده،) تعارض زوج‌ها را بررسی می‌کند. پاسخ‌ها به گویه‌ها بر روی مقیاس ۷ درجه‌ای لیکرتی (از ۱: یک مرتبه تا ۷: بیش از بیست مرتبه) قرار گرفتند. اعتبار ابزار از نوع همسانی درونی در پژوهش Ghazanfari et al. (2018) برای ارزیابی فرد از رفتار مثبت، رفتار منفی و سوء رفتار به ترتیب برابر با ۰/٦۱، ۰/٦٦ و ۰/۷۰ و برای ارزیابی فرد از رفتار مثبت همسر، رفتار منفی همسر و سوء رفتار همسر به ترتیب برابر با ۰/٦۳، ۰/۷۳ و ۰/٦۷ و در پژوهش حاضر ۰/۹۲ به دست آمد. روایی همگرای ابزار در پژوهش AlTamimi et al. (2009) در همبستگی با مقیاس رضایت زناشویی بین ۰/٤ تا ۰/٦ گزارش شد و روایی صوری و محتوایی آن نیز در پژوهش Dibaji Forushani et al. (2009) مورد بررسی و تأیید قرار گرفت.

مقیاس رضایت زناشویی (Marital Satisfaction Scale (MSS)): این ابزار فرم کوتاه پرسشنامه رضایت زناشویی Enrich (Olson & Wilson, 1982) با ۱۱۵ گویه و ۱۲ عامل (تحریف آرمانی، رضایت زناشویی، زمینه‌های شخصیتی، ارتباط، حل تعارض، فعالیت تفریحی، رابطه جنسی، خانواده و دوستان، مدیریت مالی، تساوی نقش‌ها و گرایش‌های مذهبی) است. در این پژوهش از ۱۵ گویه این مقیاس با ۲ عامل تحریف آرمانی و رضایت زناشویی استفاده شد. پاسخ‌ها بر روی مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرتی (از ۱ کاملاً مخالفم تا ۵ کاملاً موافقم) قرار گرفتند. اعتبار ابزار در پژوهش Sadeghi et al. (2016) ۰/۸۷ و در پژوهش حاضر ۰/۹۳ به دست آمد. روایی همگرا نیز در پژوهش Olson and Wilson (1982)

در بررسی همبستگی آن با مقیاس رضایت خانوادگی (Olson & Wilson, 1982) ۰/۶۰ به دست آمد.

مقیاس همدلی اساسی ((The Basic Empathy Scale (BES): این ابزار توسط Jolliffe and Farrington (2006) با ۲۰ گویه و ۲ عامل (همدلی هیجانی و همدلی شناختی) همدلی را بررسی می‌کند. پاسخ‌ها به گویه‌ها روی مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرتی (از ۱ کاملاً مخالفم تا ۵ کاملاً موافقم) قرار گرفتند. اعتبار ابزار از نوع همسانی درونی در پژوهش‌های Jolliffe and Farrington (2006) و Albiero et al. (2009) به ترتیب برابر با ۰/۸۵ و ۰/۸۶ و در پژوهش Jafari et al. (2017) ۰/۸٤ و پژوهش حاضر ۰/۷۲ به دست آمد. در بررسی روایی سازه ابزار، Albiero et al. (2009) همبستگی آن را با مقیاس رفتار جامعه‌پسند Caprara et al. (2005) بررسی کردند که همبستگی ۰/۳۱ روایی سازه آن را تأیید کرد. روایی صوری و محتوایی این ابزار نیز در پژوهش Jafari et al. (2017) مورد بررسی و تأیید قرار گرفت.

یافته‌ها

جدول ۱ یافته‌های توصیفی میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد. برای استفاده از آزمون‌های همبستگی، پیش‌فرض‌های بهنجاری چندمتغیری، هم‌خطی چندگانه و استقلال باقی‌مانده‌ها بررسی شدند. برای بررسی بهنجاری توزیع داده‌ها از مقادیر چولگی و کشیدگی استفاده شد. نتایج جدول ۱ نشان داد توزیع همه داده‌ها جز یک مورد بین (۲ و ۲-) قرار داشت که بیانگر آن بود داده‌ها از توزیع بهنجاری برخوردار هستند.

Table 1.
Descriptive measurements of research variables

Variable	Minimum	Maximum	M	SD	Skewness	Kurtosis
Marital Satisfaction	20.00	75.00	53.10	12.98	-0.47	-0.52
Parenting Stress	21.00	66.00	39.53	9.13	0.45	-0.21
Depression	23.00	69.00	39.76	9.00	0.48	-0.37
Marital Conflict	23.00	138.00	54.03	23.42	1.56	2.26
Empathy Tendency	39.00	86.00	67.85	8.41	-0.57	0.54

در بررسی مفروضه هم‌خطی چندگانه، از آماره‌های تحمل و عامل تورم واریانس استفاده شد. بر اساس پیشنهاد (Kline, 2010) مقدار تحمل کمتر از ۰/۱۰ و عامل تورم واریانس بیشتر از ۱۰ نشان‌دهنده چندگانگی خطی است. نتایج جدول ۲ نشان داد در هیچ‌یک از مقادیر آماره‌های تحمل و تورم واریانس محاسبه‌شده برای متغیرهای پیش‌بین پژوهش، انحرافی از مفروضه هم‌خطی چندگانه وجود ندارد.

Table 2.
Collinearity Statistics

Variable		Collinearity Statistics	
Criterion	Predictor	VIF	Tolerance
Marital Satisfaction	Parenting Stress	1.57	0.63
	Depression	1.33	0.75
	Marital Conflict	1.49	0.67
	Empathy Tendency	1.61	0.62

همچنین، برای بررسی استقلال باقی‌مانده‌ها از آماره دوربین–واتسون استفاده شد که با توجه به این‌که مقدار آن (۱/۹۹) به دست آمد که در فاصله (۱/۵ تا ۲/۵) قرار دارد می‌توان گفت پیش‌فرض استقلال باقی‌مانده‌ها رعایت شد.

در بررسی همبستگی میان متغیرهای پژوهش، جدول (۳) همبستگی مثبت و معنی‌دار را بین استرس والدگری با افسردگی (**r**=۰/۳۸) و تعارض زناشویی (**r**=۰/۳۷)، افسردگی با تعارض زناشویی (**r**=۰/۴۳) و رضایت زناشویی با تمایل به همدلی پدر (**r**=۰/۶۵) نشان داد. همچنین، بین رضایت زناشویی با استرس والدگری (**r**=–۰/۵۰)، افسردگی (**r**=–۰/۵۶) و تعارض زناشویی (**r**=–۰/۶۹)، تمایل به همدلی پدر با استرس والدگری (**r**=–۰/۵۴)، افسردگی (**r**=–۰/۲۴) و تعارض زناشویی مادر (**r**=–۰/۴۶) همبستگی منفی و معنی‌دار وجود داشت.

Table 3.
Correlation matrix of research variables

Variable	Marital Satisfaction	Parenting Stress	Depression	Marital Conflict	Empathy Tendency
Marital Satisfaction	1				
Parenting Stress	-0.50**	1			
Depression	-0.56**	0.38**	1		
Marital Conflict	-0.69**	0.37**	0.43**	1	
Empathy Tendency	0.65**	-0.54**	-0.24**	-0.46**	1

P<0.01**

برای بررسی معنی‌داری مدل مفروض میانجی از مدل ۶ رگرسیون هایس استفاده شد. تحلیل رگرسیون مدل میانجی در جدول ۴ نشان داد مسیر مستقیم رابطه استرس والدگری با رضایت زناشویی (P<۰/۰۰۱، t=–۴/۴۷، B=–۰/۲۲) منفی و معنی‌دار و با افسردگی (P<۰/۰۰۱، t=۵/۹۰، B=۰/۳۸) و تعارض زناشویی (P<۰/۰۰۱، t=۳/۷۳، B=۰/۲۴) مثبت و معنی‌دار به دست آمد. مسیر مستقیم رابطه افسردگی با تعارض زناشویی (P<۰/۰۰۱، t=۵/۲۵، B=۰/۳۴) مثبت و معنی‌دار و با رضایت زناشویی (P<۰/۰۰۱، t=–۵/۰۵، B=–۰/۲۵) منفی و معنی‌دار شد. در نتیجه، مسیر غیرمستقیم رابطه استرس والدگری با تعارض زناشویی معنی‌دار بود. همچنین مسیر تعارض زناشویی با رضایت زناشویی (P<۰/۰۰۱، t=–۱۰/۱۷، B=–۰/۵۱) منفی و معنی‌دار به دست آمد.

Table 4.
Regression coefficients for predicting marital satisfaction through parenting stress with the mediating role of depression and marital conflict

		R^2	R	F	B	*B*	SE	t	Bootstrap 95% CI
Parenting Stress	Depression	0.38	0.14	34.84	0.37	0.38***	0.06	5.90	0.49 – 0.24
Parenting Stress		0.49	0.24	32.85	0.62	0.24****	0.16	3.73	0.95 – 0.29
Depression	Marital Conflict				0.89	0.34**	0.17	5.25	1.22 – 0.55
Parenting Stress		0.77	0.60	106.27	-0.31	-0.22***	0.06	-4.47	-0.17 – -0.44
Depression	Marital Satisfaction				-0.36	-0.25***	0.08	-5.05	-0.22 – -0.51
Marital Conflict					-0.28	-0.51***	0.02	-10.17	-0.23 – -0.33

P<0.001***

بر اساس نتایج جدول ۵ اثر میانجی افسردگی (B=–۰/۰۹) و تعارض زناشویی (B=–۰/۱۲) هر یک به طور جداگانه

و در ارتباط با هم (B=-۰/۰۶) و نیز در مجموع (B=-۰/۲۸) نشان داد افسردگی و تعارض زناشویی، رابطه بین استرس والدگری و رضایت زناشویی مادران را به طور معنی‌دار میانجی‌گری می‌کنند.

Table 5.
Bias-corrected percentile bootstrap testing of mediation model

Indirect Effect	*B*	Bootstrap SE	Bootstrap 95% CI
Parenting Stress → Depression → Marital Satisfaction	-0.09	0.02	-0.04 – -0.15
Parenting Stress → Marital Conflict → Marital Satisfaction	-0.12	0.03	0.05 – -0.19
Parenting Stress → Depression → Marital Conflict → Marital Satisfaction	-0.06	0.01	0.03 – -0.10
Total Indirect Effect	-0.28	0.04	-0.21 – -0.36

برای بررسی معنی‌داری مدل مفروض میانجی‌گری تعدیل‌شده از مدل ۸۵ رگرسیون هایس استفاده شد. آزمون اثر تعدیل‌کنندگی تمایل به همدلی پدر در جدول‌های (٦ و ٧) نشان داد استرس والدگری به طور مثبت و معنی‌دار (P<۰/۰۰۱، t=۳/٤۱، B=۱/٦٦) و تمایل به همدلی پدر (P<۰/۰۰۱، t=-۲/٤۸، B=-۰/٧٦) به طور منفی و معنی‌دار افسردگی را پیش‌بینی می‌کند و تعامل استرس والدگری با تمایل به همدلی پدر نیز به طور منفی و معنی‌دار قادر به پیش‌بینی افسردگی است (P<۰/۰۰۱، t=-۲/٧۲، B=-۰/۰۲). بر این اساس، ارتباط بین استرس والدگری و افسردگی با تمایل به همدلی پدر تعدیل شد، به این معنی که رابطه بین استرس والدگری و افسردگی در مادرانی که شوهرانشان تمایل به همدلی بیشتری داشتند، ضعیف‌تر از مادرانی بود که همسرانشان همدلی کمتری داشتند.

Table 6.
Regression coefficients for moderated mediation model

	R	R^2	F	B	SE	t	Bootstrap 95% CI
Mediating variable model for predicting depression							
Parenting Stress	0.42	0.17	14.50	1.66***	0.48	3.41	2.62 – 0.70
Empathy Tendency				-0.76***	0.30	-2.48	1.36 – -0.15
Parenting Stress× Empathy Tendency				-0.02***	0.01	-2.72	0.005 – -0.03
Mediating variable model for predicting marital conflict							
Parenting Stress	0.59	0.35	28.22	3.38***	1.15	2.92	5.67 – 1.10
Depression				0.77***	0.16	4.84	1.09 – 0.45
Empathy Tendency				-0.97	0.71	-1.36	2.39 – -0.43
Parenting Stress× Empathy Tendency				-0.04***	0.01	-2.83	-0.01 – -0.07
Mediating variable model for predicting marital satisfaction							
Parenting Stress	0.83	0.70	97.70	-1.007***	0.44	-2.26	1.88 – -0.13
Depression				-0.42***	0.06	-6.69	-0.30– -0.55
Empathy Tendency				1.22***	0.27	4.50	1.76 – 0.69
Marital conflict				-0.22***	0.02	-8.61	-0.17 – -0.27
Parenting Stress× Empathy Tendency				-0.01***	0.006	-2.43	-0.002–-0.03

P<0.001***

Table 7.
Bias-corrected percentile bootstrap testing of moderated mediation model

Indirect Effect	B	Bootstrap SE	Bootstrap 95% CI
M – 1SD	-0.09	0.03	-0.03 - -0.16
M	-0.06	0.02	-0.02 - -0.11
M + 1SD	-0.03	0.02	-0.002 – -0.08

همچنین، استرس والدگری (P<۰/۰۰۱، t=۲/۹۲، B=۳/۳۸) و افسردگی (P<۰/۰۰۱، t=۰/۷۷، B=٤/۸٤) به طور مثبت و معنی‌دار تعارض زناشویی را پیش‌بینی می‌کردند. تمایل به همدلی پدر به طور معنی‌دار قادر به پیش‌بینی تعارض زناشویی نبود اما تعامل استرس والدگری با تمایل به همدلی پدر به طور منفی و معنی‌دار تعارض زناشویی را پیش‌بینی می‌کرد (P<۰/۰۰۱، t=–۲/۸۳، B=–۰/۰٤). بنابراین تمایل به همدلی نیز نقش تعدیل‌کننده در رابطه بین استرس والدگری و تعارض زناشویی دارد، به این معنی که رابطه بین استرس والدگری و تعارض زناشویی در مادرانی که شوهرانشان تمایل به همدلی بیشتری داشتند، ضعیف‌تر از مادرانی بود که همسرانشان همدلی کمتری داشتند.

در نهایت، استرس والدگری (P<۰/۰۰۱، t=–۲/۲٦، B=–۱/۰۰۷)، افسردگی (P<۰/۰۰۱، t=–٦/٦۹، B=–۰/٤۲) و تعارض زناشویی (P<۰/۰۰۱، t=–۸/٦۱، B=–۰/۲۲) به طور منفی و معنی‌دار و تمایل به همدلی پدر به طور مثبت و معنی‌دار (P<۰/۰۰۱، t=٤/٥۰، B=۱/۲۲) رضایت زناشویی را پیش‌بینی می‌کردند و تعامل استرس والدگری با تمایل به همدلی پدر به طور منفی و معنی‌دار رضایت زناشویی را پیش‌بینی می‌کرد (P<۰/۰۰۱، t=–۲/٤۳، B=–۰/۰۱). به این معنی که رابطه بین استرس والدگری و رضایت زناشویی در مادرانی که شوهرانشان تمایل به همدلی بیشتری داشتند، ضعیف‌تر از مادرانی بود که همسرانشان همدلی کمتری داشتند.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از مطالعه حاضر بررسی نقش میانجی افسردگی و تعارض زناشویی و تعدیل‌کنندگی همدلی پدران در رابطه بین استرس والدگری و رضایت زناشویی مادران بود. یکی از یافته‌های پژوهش همسو با پژوهش‌های (Karantzas et al., 2021; Schreiber & Salivar, 2020; Hou et al., 2019; Carlson & Vanorman, 2017; Liu & Wang, 2015) حاکی از رابطه منفی بین استرس والدگری و رضایت زناشویی مادران بود. استرس والدگری یا خودارزیابی منفی زمانی رخ می‌دهد که منابع حمایت اجتماعی در دسترس مادران، نیازهای والدگری آنها را در ایفای نقش‌هایشان برآورده نسازد. بر این اساس، زمانی که مادران تحت استرس بالای والدگری هستند، هیجان‌ها و رفتارهای منفی در پی یافتن منبعی حمایتی، به رابطه میان زوجین منتقل می‌شوند و می‌توانند کاهش رضایت زناشویی را به همراه داشته باشند (Zhao et al., 2017). در خانواده‌های ایرانی، وظیفه مراقبت از کودکان بیشتر بر عهده مادران است. برخی از زنان ناچارند از حضور در مشاغل مختلف به دلیل مراقبت از فرزندان صرف نظر کنند، زیرا نمی‌توانند وظایف و استرس ناشی از محیط خانواده و کار را مدیریت کنند. زمانی‌که خانواده در مدیریت استرس مراقبت از فرزندان با مادر سهیم نمی‌شود، این امر باعث می‌شود مادران استرس شغلی و خانوادگی زیادی را متحمل شوند که به طور مستقیم بر پیشرفت شغلی آنها و روابط با

همسرانشان و در نتیجه کیفیت زندگی کل خانواده و ثبات و هماهنگی آن تأثیر منفی بر جای می‌گذارد (Ostberg & Hagekull, 2000; Schreiber & Salivar, 2020).

یافته دیگر این بود که افسردگی و تعارض زناشویی مادر نقش میانجی در رابطه بین استرس والدگری و رضایت زناشویی مادر دارند. این یافته همسو با مدل آسیب‌پذیری–استرس–انطباق است که بر اساس آن استرس مزمن به تعاملات منفی زوجین مانند تعارض‌های زناشویی و هیجان‌های منفی می‌انجامد و احتمال شکست رابطه را افزایش می‌دهد. همچنین، این یافته همسو با مطالعات استرس والدگری و روابط ناسالم همسری مادران (Karantzas et al., 2021؛ Yoshiyuki et al., 2012؛ Cummings et al., 2010؛ Schreiber & Salivar, 2020؛ McCloskey & Pei, 2019؛ Gray et al., 2018؛ Zhao et al., 2017) نشان داد استرس والدگری بیشتر مادران با احتمال بالاتر افسردگی و تعارض زناشویی و در نتیجه کاهش رضایت زناشویی آنها مرتبط است.

افسردگی ناشی از استرس والدگری سبب می‌شود مادران سبک‌های شناختی منفی را در مورد زندگی و روابط بین فردی اتخاذ کنند که خود واکنش‌های بیش از اندازه حساس یا استرس‌زا را ایجاد می‌کند و در نتیجه منجر به رضایت زناشویی کمتر می‌شود (Henderson et al., 2003). در جامعه سنتی ایران، پدران صاحب اختیار خانواده هستند و مادران تابع پدران و مراقب اصلی کودکان محسوب می‌شوند. از این رو، مادران نسبت به پدران استرس بیشتری را در والدگری تحمل می‌کنند، که همین امر آنها را در معرض مواجهه طولانی‌تر با اضطراب نگه می‌دارد. بر این اساس، از آنجا که مادران در والدگری تحت تأثیر والدگری پدران قرار دارند، اضطراب کار–خانواده بسیاری را تجربه می‌کنند و احتمالاً در چنین شرایطی نسبت به روابط نامطلوب زناشویی حساس‌تر و آسیب‌پذیرتر می‌شوند. انباشت چنین استرسی به طور جدی بر ادراک از زندگی و روابط بین فردی مادران تأثیر منفی بر جای می‌گذارد و همین امر تشدید تعارض‌ها را در پی دارد (Cummings et al., 2010).

همانطور که عوامل و مدل‌های خطر و محافظ نشان می‌دهند، کیفیت رابطه زناشویی فرد تحت تأثیر عوامل محیطی دور و عوامل فردی نزدیک قرار دارد (Jones et al., 2002). تعارض زناشویی به عنوان عامل فردی نزدیک، بر کیفیت رابطه زناشویی فرد تأثیر می‌گذارد. در سبک زندگی خانواده‌های ایرانی، تقسیم کار سنتی بین مردان و زنان غالب است، به گونه‌ای که از نظر اجتماعی و هیجانی، والدگری وظیفه اخلاقی و ذاتی مادران تلقی می‌شود. با این حال، با تغییر در الگوهای زندگی و مفهوم ازدواج، مادران والد دیگر از خانه‌دار بودن راضی نیستند. آنها مایلند شغل خود را داشته باشند و درآمد مستقل کسب کنند؛ از یک سو، درآمد حاصل از شغل می‌تواند استرس مالی خانواده را کاهش دهد و از سوی دیگر، می‌تواند برای مادران جوان، استقلال و عزت به ارمغان آورد. بر اساس نظریه تعارض اثر (Galtung, 1996; Cui et al., 2007)، زمانی که فرد یک یا چند نقش مختلف را به طور همزمان ایفا می‌کند، استرس‌های متعدد ناشی از فقدان شایستگی با تشدید استرس والدگری باعث ایجاد تضادها و تعارضات بیشتر بین زوجین می‌شود و همین تعارض‌های زناشویی در طولانی‌مدت سبب می‌شود زوج‌ها به جای مشکل، یکدیگر را مورد حمله قرار دهند و از انتقاد و اظهارنظرهای منفی علیه هم استفاده کنند تا دیگری را تحت نفوذ خود درآورند. نتیجه این فرایند خشم شریک عاطفی، رفتارهای پرخاشگرانه و کاهش رضایت زناشویی است. از سوی دیگر استرس والدگری عامل تعیین‌کننده رفتارهای خشن و

بدرفتاری بعدی با فرزندان است و همین امر نیز می‌تواند افزایش تعارض‌ها و کاهش رضایت زناشویی را در پی داشته باشد (Chung et al., 2023).

نتایج مطالعه حاضر همسو با پژوهش‌های (Dong et al., 2022؛ Wang et al., 2021؛ Malgorzata & Carla, 2018؛ Schreiter et al., 2013) نشان داد تمایل به همدلی پدران نقش تعدیل‌کننده بر مسیر بین استرس والدگری و رضایت زناشویی با میانجی‌گری افسردگی و تعارض زناشویی مادران دارد. افراد با همدلی بالا قادرند ضمن کنترل شناخت و رفتار و تنظیم هیجان‌های خود بر هیجان‌های دیگران اثر بگذارند (Eldesouky & English, 2019). همدلی میان زوجین برانگیزاننده توجه، مشارکت و رفتارهای مراقبتی میان آنها است که مانع از شکل‌گیری رفتارهای پرخاشگرانه می‌شود. همچنین، عاطفه مثبت ناشی از همدلی موجب انعطاف‌پذیری روان‌شناختی، تفکر حل مسئله خلاق و سازمان‌دهی مجدد باورها در مورد رابطه و شریک زندگی می‌شود که با افزایش روابط مثبت و کاهش تعارض‌ها، افزایش احساس درک شدن و در نهایت افزایش رضایت زناشویی همراه است (Rajabi et al., 2022). بر این اساس، افزایش تمایل به همدلی در روابط زوجین با کاهش تمایل به افکار و احساس منفی و تنبیه نسبت به شریک زندگی و کاهش سطح اختلالات هیجانی، پردازش هیجانی ناکافی، افسردگی و اجتناب هیجانی همراه است (Çelik et al., 2022) و به عنوان عاملی محافظ برای پردازش شناختی و هیجانی ایفای نقش می‌کند. در سطح خانواده، چنانچه پدران در شرایطی که مادران تحت استرس شدید در فرایند والدگری هستند، همدلی بالایی داشته باشند، بهتر می‌توانند خود را در موقعیت همسرانشان قرار دهند و سطح استرس و حمایت‌های مورد نیازشان را درک کنند (Schreiter et al., 2013). از آنجا که ممکن است هیجان‌های منفی مادران در تلاش برای اجتناب از چرخه باطل هیجان‌های منفی انباشته شوند (Dong et al., 2022)، پدران می‌توانند با به کارگیری راهبردهای مقابله‌ای مؤثر مانند ارتباط و تفاهم از گسترش هیجان‌های منفی مادران پیشگیری کنند. در نتیجه مادران نیز قادر می‌شوند نظم‌دهی شناختی بیشتری بر هیجان‌های خود داشته باشند.

مطالعه حاضر نشان داد استرس والدگری مادر با افزایش افسردگی و تعارض زناشویی، رضایت زناشویی را کاهش می‌دهد و افسردگی مادر به نوبه خود احتمال تعارض زناشویی را افزایش می‌دهد. یافته‌های مدل میانجی‌گری تعدیل‌شده نیز نشان داد تمایل به همدلی پدر نقش تعدیل‌کننده در رابطه بین استرس والدگری و رضایت زناشویی مادر با میانجی‌گری افسردگی و تارض زناشویی دارد. پدرانی که با مادران همدلی دارند، می‌توانند تأثیر منفی استرس والدگری را بر رضایت زناشویی مادران کاهش دهند. به طور کلی، مطالعه حاضر حاکی از معنی‌داری مدل میانجی‌گری تعدیل‌شده در رابطه استرس والدگری با رضایت زناشویی مادران بود. از این رو، تأثیر جدی استرس والدگری مادران بر سلامت روانی آنها و کیفیت زندگی مشترک و نیز نقش مهم همدلی پدران در کاهش این پیامدها برجسته شد. مدل میانجی‌گری تعدیل‌شده این قابلیت را دارد تا در طراحی برنامه‌های پیشگیرانه و مداخله‌ای هدفمند جهت افزایش رضایت از ازدواج زنان در مواجهه با رویدادهای استرس‌زای والدگری مورد استفاده قرار گیرد.

از محدودیت‌های پژوهش حاضر می‌توان به عدم کنترل سایر عوامل مؤثر بر استرس والدگری مانند استرس شغلی، وضعیت اقتصادی و رویدادهای منفی زندگی اشاره کرد؛ چرا که استرس والدگری پدیده‌ای چند بعدی است که تحت تأثیر عوامل مختلف، فردی، خانوادگی و محیطی قرار دارد. نمونه پژوهش حاضر نیز تنها شامل زوج‌های دارای فرزند

شاغل شهر تهران بود، از این رو، در تعمیم نتایج به والدین سایر مناطق جغرافیایی، فرهنگی و اجتماعی باید احتیاط کرد. همچنین، استفاده از ابزارهای خودگزارشی ممکن است تحت تأثیر سوگیری پاسخ‌دهی و ادراک فردی شرکت کنندگان قرار گرفته باشد.

بر اساس یافته‌ها و محدودیت‌های پژوهش، پیشنهاد می‌شود در مطالعات آتی، اثرات همزمان استرس والدگری و سایر عوامل استرس‌زای بالقوه بر زندگی والدین از هم تفکیک شوند و والدین در مراحل مختلف والدگری برای بررسی تأثیر استرس والدگری بر کیفیت زندگی زناشویی انتخاب شوند. همچنین، انجام پژوهش با نمونه‌هایی از سایر مناطق جغرافیایی و فرهنگی می‌تواند به قابلیت تعمیم و کاربردپذیری نتایج کمک کند. با توجه به نقش تعدیل‌کننده تمایل به همدلی پدر، پیشنهاد می‌شود مداخلات آموزشی و برنامه‌های ارتقای مهارت همدلی برای پدران طراحی و اثربخشی آن‌ها بر کاهش پیامدهای منفی استرس والدگری و بهبود کیفیت روابط زناشویی مورد بررسی قرار گیرد.

مشارکت نویسندگان: طراحی پژوهش، تحلیل، نگارش و ویرایش: س.ا؛ گردآوری داده‌ها: ا.م؛ تحلیل یافته‌ها: س.ا و ا.م. تمامی نویسندگان نسخه نهایی مقاله را مطالعه و تأیید کرده‌اند.

قدردانی: نویسندگان صمیمانه از تمامی دختران نوجوانی که در این پژوهش شرکت کرده و در انجام آن مشارکت داشته‌اند، تشکر و قدردانی می‌کنند.

تعارض منافع: نویسندگان اعلام می‌کنند که در رابطه با این مقاله هیچ‌گونه تعارض منافع وجود ندارد.

تأمین مالی: نویسندگان اعلام می‌کنند برای انجام این پژوهش هیچ حمایت مالی یا کمک‌هزینه‌ای دریافت نکردند.

بیانیه دسترس‌پذیری داده‌ها: داده‌های این مطالعه بنا به درخواست منطقی از نویسنده مسئول قابل دریافت است.

بیانیه استفاده از هوش مصنوعی: نویسندگان اعلام می‌کنند که در هیچ مرحله‌ای از آماده‌سازی این مقاله از هوش مصنوعی مولد استفاده نشده است.

تأییدیه اخلاقی: تمامی مراحل این مطالعه مطابق با استانداردها و اصول اخلاق در پژوهش اجرا شده است.

References

Albiero, P., Matricardi, G., Speltri, D., & Toso, D. (2009). The assessment of empathy in adolescence: A contribution to the Italian validation of the ‘‘Basic Empathy Scale’’. *Journal of Adolescence*, *32*(2), 393-408. https://doi.org/10.1016/j.adolescence.2008.01.001

AlTamimi, N., Jaiswal, T., Grau, I., & Banse, R. (2009). Developing a test battery to assess determinants of marital relationship satisfaction in Saudi Arabia. *Interpersona: An International Journal on Personal Relationships*, *3*(2), 120-139. https://doi.org/10.5964/ijpr.v3i2.36

Askari-Nodoushan, A., Shams Ghahfarokhi, M., & Shams Ghahfarrokhi, F. (2019). An Analysis of the Socioeconomic Characteristics of Divorce in Iran. *Strategic Research on Social Problems in Iran*, *8*(2), 1-16. https://doi.org/10.22108/srspi.2019.116983.1402 [Persian]

Berry, J. O., & Jones, W. H. (1995). The Parental Stress Scale: Initial psychometric evidence. *Journal of Social and Personal Relationships*, 12(3), 463-472. https://doi.org/10.1177/0265407595123009

Bradbury, T. N., Fincham, F. D., Beach, S. (2000). Research on the nature and determinants of marital satisfaction: a decade in review. *Journal of Marriage and Family,* 62, 964–980. https://doi.org/10.1111/j.1741-3737.2000.00964.x

Campell, M. H., Maynard, D., Roberti, J. W., & Emmanuel, M. K. (2012). A comparison of the psychometric strengths of the public-domain Zung Self-rating Depression Scale with the

proprietary Beck Depression Inventory-II in Barbados. *West Indian Medical Journal*, *61*(5). https://doi.org/10.7727/wimj.2010.145

Caprara, G. V., Steca, P., Zelli, A., & Capanna, C. (2005). A New Scale for Measuring Adults' Prosocialness. *European Journal of Psychological Assessment*, *21*(2), 77-89. https://doi.org/10.1027/1015-5759.21.2.77

Carlson, M. J., & Vanorman, A. G. (2017). Trajectories of relationship supportiveness after childbirth: does marriage matter? *Social Science Research,* 66, 102–117. https://doi.org/10.1016/j.ssresearch.2017.01.001

Çelik, E., Çelik, B., Yavaş, Ş., & Süler, M. (2022). Investigation of marital satisfaction in terms of proactive personality, meaning in life, offensespecific forgiveness. *International Journal of Psychology and Educational Studies,* *9*(1), 1-11. https://doi.org/10.52380/ijpes.2022.9.1.655

Chung, G. S. K., Chan, X. W., Lanier, P., & Wong, P. Y. J. (2023). Associations between work–family balance, parenting stress, and marital conflicts during COVID-19 pandemic in Singapore. *Journal of Child and Family Studies*, *32*(1), 132-144. https://doi.org/10.1007/s10826-022-02405-2

Cohan, C. L., & Bradbury, T. N. (1997). Negative life events, marital interaction, and the longitudinal course of newlywed marriage. *Journal of Personality and Social Psychology*, *73*(1), 114–128. https://doi.org/10.1037/0022-3514.73.1.114

Cousino, M. K., & Hazen, R. A. (2013). Parenting stress among caregivers of children with chronic illness: a systematic review. *Journal of Pediatric Psychology*, 38, 809–828. https://doi.org/10.1093/jpepsy/jst049

Cui, M., Donnellan, M. B., Conger, R. D. (2007). Reciprocal influences between parents' marital problems and adolescent internalizing and externalizing behavior. *Developmental Psychology*, 43, 1544–1552. https://doi.org/10.1037/0012-1649.43.6.1544

Cummings, E. M., Keller, P. S., & Davies, P. T. (2010). Towards a family process model of maternal and paternal depressive symptoms: exploring multiple relations with child and family functioning. *Journal of Child Psychology and Psychiatry*, 46, 479–489. https://doi.org/10.1111/j.1469-7610.2004.00324.x

Dibaji Forushani, F., EmamiPour, S., & Mahmoudi, G. (2009). Relationship between Attachment Styles and Conflict Resolution Patterns with Women's Marital Satisfaction, *Thought and Behavior in Clinical Psychology, 3*(11), 87. https://search.isc.ac/dl/search/defaultta.aspx?DTC=8&DC=521615 [Persian]

Dong, S., Dong, Q., & Chen, H. (2022). Mothers' parenting stress, depression, marital conflict, & marital satisfaction: The moderating effect of fathers' empathy tendency. *Journal of Affective Disorders*, 299, 682-690. https://doi.org/10.1016/j.jad.2021.11.054

Eldesouky, L., & English, T. (2019). Regulating for a reason: emotion regulation goals are linked to spontaneous strategy use. *Journal of Personality, 87*(5), 948–961. https://doi.org/10.1111/jopy.12430

Galtung, J. (1996). Peace by Peaceful Means: Peace and Conflict, Development and Civilization. London: Sage.

Ghazanfari, B., Keshavarzi Arshadi, F., Hassani, F., & Emamipour, S. (2018). Effectiveness of couple therapy based on Choice Theory on conflict resolution styles and marital relationship quality of incompatible couples. *Journal of Applied Psychology*, *12*(1), 47-62. https://doi.org/20.1001.1.20084331.1397.12.1.3.7 [Persian]

Gray, P. H., Edwards, D. M., & Gibbons, K. (2018). Parenting stress trajectories in mothers of very preterm infants to 2 years. Arch. Dis. Child. *Fetal & Neonatal Edition*, 103 (1), 43–48. https://doi.org/10.1136/archdischild-2017-312902

Green, S. B. (1991). How many subjects does it take to do a regression analysis? *Multivariate Behavioral Research, 26*(3), 499–510. https://doi.org/10.1207/s15327906mbr2603_7

Gupta, S., Barrett, T., Whitmarsh, A. J., Cavanagh, J., Sluss, H. K., D´erijard, B., Davis, R. J. (1996). Selective interaction of JNK protein kinase isoforms with transcription factors. *EMBO Journal,* 15, 2760–2770. https://doi.org/10.1093/emboj/15.11.2760

Habibpoor, Z. (2003). *The relationship between mental image and body mass index and depression in Isfahan high school students*. Master's thesis in psychiatry, Isfahan University of Medical Sciences. [Persian]

Hashemi, S., Arefi, M., Kakabraei, K., & Chehri, A. (2022). Mediating role of emotion regulation, conflict management and sexual intimacy in the relationship between marital adjustment and personality traits. *Psychological Achievements*, *29*(2), 231-250. https://doi.org/10.22055/psy.2022.40111.2799

Henderson, A. D., Sayger, T. V., & Horne, A. M. (2003). Mothers and sons: a look at the relationship between child behavior problems, marital satisfaction, maternal depression, and family cohesion. *The Family Journal: Counseling and Therapy for Couples and Families*, 11, 33–41. https://doi.org/10.1177/1066480702238467

Hooshmandi, R., Ahmadi, K. & Kiamanesh, A. (2019). Analysis of the causes of marital conflict in the last two decades (a systematic review). *Journal of Psychological Science*. *18*(79), 819-828. http://psychologicalscience.ir/article-1-365-fa.html [Persian]

Hou, J., Pan, X., Ma, M., Lan, J., Ju, X., & Fang, X. (2019). The Effect of Parenting Stress on Marital Quality in Newborn Baby Parents: The Mediating Effect of Spouse Support. *Studies of Psychology and Behavioral, 17*(01), 97-106. https://psybeh.tjnu.edu.cn/EN/

Jafari, M., Norozi, Z., & Fooladchang, M. (2017). The study of factor structure, reliability and validity of basic empathy scale: Persian form. *Journal of Educational Psychology Studies*, 14(25), 23-38. https://doi.org/10.22111/jeps.2017.3099 [Persian]

Jolliffe, D; Farrington, D. P. (2006). Development and validation of basic empathy scale. *Journal of Adolescence*, 29(4), 589-611. https://doi.org/10.1016/j.adolescence.2005.08.010

Jones, D. J., Forehand, R., & Armistead, B. L. (2002). Psychosocial adjustment of african american children in single-mother families: a test of three risk models. *Journal of Marriage and Family*, 64, 105–115. https://doi.org/10.1111/j.1741-3737.2002.00105.x

Karantzas, G. C., Feeney, J. A., Agnew, C. R., Christensen, A., & Simpson, J. A. (2021). Dealing with loss in the face of disasters and crises: integrating interpersonal theories of couple adaptation and functioning. *Current Opinion in Psychology*, 43, 129–138. https://doi.org/10.1016/j.copsyc.2021.06.004

Karney, B. R., & Bradbury, T. N. (1995). The longitudinal course of marital quality and stability: a review of theory, method, and research. *Psychological Bulletin*, 118, 3–34. https://doi.org/10.1037/0033-2909.118.1.3

Khodaverdian, S., Golshani, F., Emamipour, S., & Kraskian, A. (2017). A Comparative study on Effectiveness of Behavior Parent Training (BPT) and Pharmacotherapy on Intensity of symptoms in Male Primary School Students with Attention Deficit/Hyperactivity Disorder (AD/HD) and Parental Stress in their mothers. *Journal of Applied Psychological Research*, *7*(4), 1-19. https://japr.ut.ac.ir/article_61077.html [Persian]

Kline, R. B., (2010). *Principles and Practice of Structural Equation Modeling*. NY: Guilford Press.

Leonard, K. E., & Roberts, L. J. (1998). The effects of alcohol on the marital interactions of aggressive and nonaggressive husbands and their wives. *Journal of Abnormal Psychology*, 107, 602–615. https://doi.org/10.1037/0021-843X.107.4.602

Li, X., Wang, Y., & Zhang, J. (2025). Actor-partner interdependence of parents' parenting stress on marital satisfaction: The mediating role of emotion dysregulation. *Journal of Affective Disorders, 376*, 120831. https://doi.org/10.1016/j.jad.2025.120831

Lian, D. Q., Shi, H. Y., & Fan, L. X. (2014). Review of marital satisfaction. *Advances in Psychology*, 4 (2), 338–343. https://doi.org/10.12677/AP.2014.42048

Liu, J., Guan, W., Zhang, Y., & Xie, Z. (2026). Does parenting stress affect marital quality among parents of children with disabilities? Evidence from a meta-analysis. *Research in Developmental Disabilities,* 175, 105329. https://doi.org/10.1016/j.ridd.2026.105329

Liu, L., & Wang, M. (2015). Parenting stress and harsh discipline in china: the moderating roles of marital satisfaction and parent gender. *Child Abuse & Neglect.*, 43, 73–82. https://doi.org/10.1016/j.chiabu.2015.03.005

Lucas-Thompson, R. G. (2012). Associations of marital conflict with emotional and physiological stress: Evidence for different patterns of dysregulation. *Journal of Research on Adolescence*, *22*(4), 704-721. https://doi.org/10.1111/j.1532-7795.2012.00852.x

Malgorzata, G., & Carla, S. (2018). The relations between empathy, guilt, shame and depression in inpatient adolescents. *Journal of Affective Disorders*, 241, 381–387. https://doi.org/10.1016/j.jad.2018.07.068

Mccloskey, R. J., & Pei, F. (2019). The role of parenting stress in mediating the relationship between neighborhood social cohesion and depression and anxiety among mothers of young children in fragile families. *Journal of Community Psychology,* 47 (4), 869–881. https://doi.org/10.1002/jcop.22128

Mohtashami, T., Ebrahimi, F., Aliakbari Dehkordi, M., & Chimeh, N. (2017). The comparison of parental stress, satisfaction and family functioning in mother's children with autism and normally developing children, *Journal of Exceptional Children, 16*(4), 51-62. http://joec.ir/article-1-277-fa.html [Persian]

Olson, D. H., & Wilson, M. (1982). Family satisfaction. In D. H. Olson (Ed.). Families: What makes them work? Newbury Park, CA: Sage Publishing.

Olson, D., DeFrain, J., & Skogrand, L. (2010). *Marriages and families: Intimacy, diversity, and strengths*. McGraw Hill. https://digitalcommons.usu.edu/usufaculty_monographs/35/

Ostberg, M., & Hagekull, B. (2000). A structural modeling approach to the understanding of parenting stress. *Journal of Clinical Child & Adolescent Psychology,* 29, 615–625. https://doi.org/10.1207/S15374424JCCP2904_13

Rajabi, G., Kazemi, F., & Shiralinia, K. (2022). Evaluating the Model of the Relationship between Mindfulness and Marital Satisfaction with Mediation of Marital Empathy. *Journal of Applied Psychological Research*, *13*(1), 183-198. https://doi.org/10.22059/japr.2022.320767.643793 [Persian]

Reid, W. J., & Crisafulli, A. (1990). Marital discord and child behavior problems: A meta-analysis. *Journal of Abnormal Child Psychology*, *18*(1), 105–117. https://doi.org/10.1007/BF00919458

Rosen-Grandon, J. R., Myers, J. E., Hattie, J. A. (2004). The relationship between marital characteristics, marital interaction processes, and marital satisfaction. *Journal of Counseling & Development,* 82, 58–68. https://doi.org/10.1002/j.1556-6678.2004.tb00286.x

Rusbult, C. E., Johnson, D. J., & Morrow, G., D. (1986). Impact of couple of patterns of problem solving on distress & no distress in dating relationships. *Journal of Personality & Social Psychology*, *50*(1), 744-753. https://faculty.wcas.northwestern.edu/eli-finkel/documents/18_RusbultJohnsonMorrow1986_JournalOfPersonalityAndSocialPsychology.pdf

Sadeghi, M. A., Mousavi, J., Mootabi, F., & Dehghani, M. (2016). Couple's personality similarity and marital satisfaction. *Contemporary Psychology*, 10 (20), 67-82. https://bjcp.ir/article-1-899-en.html [Persian]

Safaralizadeh, F., Partovazam, H., Habibpoor, A. (2011). The correlation between depression and body mass index in female teenagers of khoy during year 2009, *Community Health Journal, 5*(1), 17-24. https://chj.rums.ac.ir/article_45585.html [Persian]

Schreiber, E., & Salivar, E. G. (2020). Using a vulnerability-stress-adaptation framework to model intimate partner violence risk factors in late life: a systematic review. *Aggression and Violent Behavior*, 57, 1359–1789. https://doi.org/10.1016/j.avb.2020.101493

Schreiter, S., Pijnenborg, G., & Rot, M. A. H. (2013). Empathy in adults with clinical or subclinical depressive symptoms. *Journal of Affective Disorders, 150*(1), 1–16. https://doi.org/10.1016/j.jad.2013.04.037

Shahroei, S., Kazemianmoghadam, K., Khalfi, A., & Mehrabizadeh Honarmand, M. (2022). The Relationship between Marital Intimacy on Life Satisfaction with Mediating Love, Marital Compatibility, and Marital Satisfaction in the Employees Pepole. *Psychological Achievements*, 30(2), 37-58. https://doi.org/10.22055/psy.2022.40425.2823 [Persian]

Shrout, M. R., Brown, R. D., Orbuch, T. L., & Weigel, D. J. (2019). A multidimensional examination of marital conflict and subjective health over 16 years. *Personal Relationships*, *26*(3), 490–506. https://doi.org/10.1111/pere.12283

Straus, M. A. (1979). Measuring intrafamily conflict and violence: The Conflict Tactics Scales. *Journal of Marriage and the Family*, 41, 75-88. https://doi.org/10.2307/351733

Tasew, A. S., & Getahun, K. K. (2021). Marital conflict among couples: The case of Durbete town, Amhara Region, Ethiopia. *Cogent Psychology*, *8*(1), 1903127. https://doi.org/10.1080/23311908.2021.1903127

Wang, Y., Xiao, W.T., & Dai, B.Y. (2021). Feeling as you feel is inferior to understanding your feeling? The relationship between affective empathy and cognitive empathy and emotional processing. Chin. *Journal of Clinical Psychology,* 29, 173–176. https://caod.oriprobe.com/articles/60701523/Feeling_as_You_Feel_Is_Inferior_to_Understanding_Y.htm

Wu, L., et al. (2026). *Actor-partner interdependence of parents' parenting stress on marital satisfaction: The mediating role of emotion dysregulation. Journal of Affective Disorders,* 376, 120831. https://doi.org/10.1016/j.jad.2025.120831

Yoshiyuki, T., Ai, F., Hitomi, S., Satoshi, Y., Kazuo, U., Susumu, Y., Ryuta, K., & Scott, J. G. (2012). A new mother-child play activity program to decrease parenting stress and improve child cognitive abilities: a cluster randomized controlled trial. *PLOS One*, 7, e38238. https://doi.org/10.1371/journal.pone.0038238

Zhang, Y., Xie, R., Yan, R., Wang, D., Ding, W., & Sun, B. (2024). Bidirectional longitudinal relationships between parents' positive co-parenting, marital satisfaction, and parental

involvement. *Journal of Social and Personal Relationships, 41*(7), 1892–1912. https://doi.org/10.1177/02654075241231010

Zhao, Y. R., Liu, T., Li, X., Chen, Y. W. (2017). Relationship between father parenting stress, marital satisfaction and father involvement. *Chinese Journal of Behavioral Medicine and Brain Science,* 26, 81–84. https://pesquisa.bvsalud.org/portal/resource/pt/wpr-505157

Zhylyevskyy, O. (2012). Spousal conflict and divorce. *Journal of Labor Economics*, *30*(4), 915-962. https://doi.org/10.1086/667460

Zung, W. W., Richards, C. B., & Short, M. J., (1965). Self-rating depression scale in an outpatient clinic: further validation of the SDS. *Archives Of General Psychiatry*, 13, 508–515. https://doi.org/10.1001/archpsyc.1965.01730060026004